

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال هفتم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۹

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

* سید محمد حسینی

چکیده

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زنده نگه داشتن اسلام و پایه گذاری و ایجاد تمدن اسلامی، نقش مهمی بود و می‌توان گفت که بعد از پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام سومین احیاگر اندیشه‌های اسلامی است. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به عنوان یکی از مهم‌ترین منشورات اخلاقی است که علاوه بر فرهنگ‌سازی، استفاده‌های تمدنی زیادی از آن می‌توان داشت. مقاله حاضر در صدد بررسی نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق) با روش کتابخانه‌ای است. واژه‌های کلیدی: امام سجاد علیه السلام، نقش فرهنگی، تمدن اسلامی، رساله حقوق.

* دانش پژوه سطح سه رشته تاریخ موسسه آموزش عالی حوزه‌ی امام رضا علیه السلام.

بیان مسأله

تاریخ اسلام که با دعوت پیامبر آغاز شد، نقطه آغازین تكون فرهنگ اسلامی است. پیامبر اسلام برای جایگزینی فرهنگ جدید اسلامی به جای فرهنگ عرب جاهلی با مشکلات زیادی روبرو بود. از طرفی بروز مشکلات داخلی نیز نگذاشت تا پایه‌های این فرهنگ، آنچنان که شایسته بود، به صورت فرآگیر مستحکم شده و به سرزمینهای دیگر منتقل گردد. اما به لحاظ دید و فرهنگ نویی که به جامعه انسانی عرضه می‌کرد، این دین توانست در طول زمان به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و منبعی جامع برای احتیاجات مادی و معنوی آنان باشد.

۸

بعد از پیامبر ﷺ ائمه علیهم السلام به عنوان پیشگامان حرکت اسلامی، به دلیل درک عمیق و دقیق از ارکان فرهنگ اسلامی، علاوه بر تقویت پایه‌های فرهنگ اسلامی، آن را از تحریف و انحراف مصون داشته و با تعلیم علوم نزد خود و تربیت شاگردانی ممتاز در علوم و فنون زمان بر غنای آن افزودند.

در رأس این حرکت امامان معصوم علیهم السلام، امیرالمؤمنین علیهم السلام قرار داشت؛ فرزندان امیرالمؤمنین علیهم السلام نیز به پیروی از ایشان تداوم بخش این نهضت عظیم بودند.

در این میان نقش فرهنگی امام سجاد علیهم السلام در زنده نگه داشتن اسلام و پایه گذاری و ایجاد تمدن اسلامی، نقش مهمی بود و لذا می‌توان گفت که بعد از پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم السلام، امام سجاد علیهم السلام سومین احیاگر اندیشه‌های اسلامی است.

رساله حقوق امام سجاد علیهم السلام به عنوان یکی از مهم‌ترین منشورات اخلاقی می‌باشد که علاوه بر فرهنگسازی، استفاده‌های تمدنی زیادی از آن می‌توان داشت.



نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

ایشان با تشکیل مجالس درس، سخنرانی در مسجد مدینه، بیان تعالیم اسلامی در قالب دعا و رساله حقوق، زمینه‌های اعتلای تمدن اسلامی را با آموزه‌های خویش فراهم کردند.

پیشینه

تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص نقش امام سجاد علیه السلام در وقایع بعد از عاشورا به نگارش درآمده است. اما در این خصوص که ایشان چه زمینه‌هایی را برای ایجاد، یا به تعبیری گسترش تمدن اسلامی مهیا کردند، اثری یافت نشد. لذا قصد آن است که در این نوشتار، با بررسی زندگی آن بزرگوار، به نقش امام سجاد علیه السلام در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی پرداخته شود.

مفهوم شناسی

حوزه پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی همچون سایر علوم دیگر دارای واژگان و اصطلاحات مربوط به خود است. نزدیکی معانی و اختلاف سلایق در تعریف آنها موجب می‌شود که بیان دقیق و واضح آن واژگان دارای ضرورت بیشتری گردد. اگر معانی و مفاهیم دقیق این واژگان بخوبی روشن نگردد و هر کسی بنابر برداشت شخصی خود مشغول به انجام تحقیق و پژوهش گردد، قطعاً فرایند تحقیق دچار اختلال می‌شود. از این رو مناسب است ابتدا به بیان برخی از واژگان پرداخته شود.

فرهنگ و تمدن

تعریف لغوی

از جمله واژگانی که پیچیدگی زیادی در بیان معنای آن وجود دارد، واژه فرهنگ است؛ لکن نویسنده در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیده است که

فرهنگ عبارت است از هر آنچه که موجب اعتلا بخشیدن و تعالی دادن انسان می باشد.^۱

تمدن از نظر لغوی به معنای شهرنشینی و اقامت در شهر است.^۲ لکن این تعریف، خیلی دقیق نیست چراکه ممکن است افرادی در شهرها زندگی کنند ولی هیچ نصیبی از مصادیق تمدنی نبرده باشند. لذا بهتر است بجای معنای شهرنشینی، از معنای شهرآئینی استفاده کرد (شهر آئینی یعنی التزام و پایبندی به مقررات، ستها، آداب و مقتضیات زندگی شهری).

تعریف اصطلاحی

۱۰

همانگونه که اشاره شد، واژه فرهنگ، واژه‌ای نیست که دارای یک معنای مورد اتفاق باشد بلکه هر کسی با نگرشی خاص به تعریف آن پرداخته؛ برخی فرهنگ را مجموعه‌ای از ستّتها و باورها و اخلاقیات فردی یا خانوادگی می‌دانند^۳ و برخی دیگر، آن را وجه معنوی تمدن دانسته‌اند.^۴

تمدن نیز در اصطلاح، دارای یک تعریف مشخص و مورد اتفاق نمی‌باشد.

یک قول این است که تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی و خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه‌شدن امور اجتماعی است.^۵

ویل دورانت تمدن را نظمی اجتماعی می‌داند که طی آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده، جریان می‌یابد و ظهور آن منوط به برقراری امنیت و پایان یافتن هرج و مرج است. به نظر او عوامل مختلفی در حوزه‌های جغرافیایی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، عقلی و روحی تمدن سازند. او برای تمدن چهارم

۱. برای مطالعه بیشتر رک: جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۵.

۲. معین، فرهنگ معین، ذیل واژه تمدن.

۳. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۳۳.

۴. شریعتی، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۷.

۵. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام، ج ۱، ص ۳۲.

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

رکن اساسی قائل است: ۱- پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی. ۲- سازمان سیاسی. ۳- سنن اخلاقی. ۴- کوشش در راه معرفت و بسط هنر^۱.

آرنولد توین بی تمدن را بر حسب معیارهای معنوی تعریف می‌کند و قائل است تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با همنوایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضا‌ایی از یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند^۲.

بنابراین هیچ تعریفی خالی از اشکال نیست چراکه اگر یک تعریف، خالی از هرگونه اشکال بود، قطعاً دیگران آن را می‌پذیرفتند. آنچه به نظر می‌رسد این است که گفته شود فرهنگ، مجموعه‌ای است از جنبه‌های معنوی زندگی بشری که شامل ارزشها، عقاید، آداب و رسوم می‌شود و زمانی که این ارزشها به مرحله عمل در آید و شکل مادی به خود بگیرد به آن تمدن گفته می‌شود.

اوپرای فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام سجاد علیه السلام

در دوران امامت امام سجاد علیه السلام شاهد وضعیت فرهنگی و اجتماعی مناسب و مطلوب برای یک جامعه اسلامی نیستیم. در این زمان عده‌ای از اشراف درآمد فراوانی از خزانه دولت نصیب‌شان شد و همچنین از بخشش‌های خلفاً بهره زیادی برداشتند. ثروت زیاد موجب تشکیل زندگی‌های تجملاتی و دوری از معنویت و روی آوردن به لهو و لعب گردید. ساز و آواز و خرید و فروش کنیزکان آواز خوان و رقصه و سیله خوش گذرانی‌شان گردید. این امر به حدی گسترش یافت

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد ارام، ص ۱۹.

۲. توبین بی، بررسی تاریخ تمدن، خلاصه دوره ۱۲ جلدی، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.



که دو شهر مکه و مدینه نیز از این آلودگی‌ها محفوظ نماندند^۱ تا جایی که امام حسین علیه السلام سخنانی در مورد دلبستگی مردم به دنیا می‌فرمودند.^۲ مسعودی نیز در مروج الذهب گزارشی از فساد و آلودگی دربار یزیده آورده است.^۳

از جمله خلفایی که در زمان امام سجاد علیه السلام بر مسند حکومت تکیه زده بود، عبدالملک مروان بود. او پس از مرگ پدرش مروان، هنگامی که خلافت به او رسید، سرگرم خواندن قرآن بود، اما با شنیدن این خبر قرآن را بست و گفت: اینک بین من و تو جدایی افتاد! و دیگر با تو کاری ندارم^۴ او که روزی از لشکرکشی یزید به مکه (جهت سرکوبی عبدالعزیز بن زبیر) به خدا پناه می‌برد و ابراز نفرت می‌کرد، پس از رسیدن به حکومت، نه تنها این کار را ادامه داد بلکه شخص سفاکی مثل حاجاج را مأمور این کار کرد و او مسجد الحرام را با منجنیق سنگباران کرد.^۵

طبعتاً در چنین شرایطی تصمیم‌گیری برای شروع یک حرکت انقلابی بسیار دشوار است، لکن باید دید که امام علیه السلام در آن شرایط خفغان، از چه ابزاری استفاده کردند تا جامعه اسلامی را از دست کسانی که صلاحیت رهبری جامعه را نداشتند نجات دهند.

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: شوقی ضيف، الشعور والغناء في المدينة و مكة لعصر بنى أميه، ص ۵۰.
۲. «الناس عبيد الدنيا ...» بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳. تحف العقول، ص ۲۴۵. مقتل جامع سیداشهد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۸ و ۵۹۷.
۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۶۷.
۴. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۷.
۵. ممتحن، حسینعلی. تاریخ سیاسی اسلام در عصر امویان. ص ۱۴۷.

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

حرکت فرهنگی امام سجاد علیه السلام

یکی از روشهای حضرت علیه السلام برای زنده نگه داشتن فرهنگ اسلامی در جهت تشکیل یک تمدن بزرگ اسلامی، روش تبیین معارف الهی در قالب دعا و مناجات بود که این دعاها در مجموعه‌ای که به صحیفه سجادیه معروف است، جمع آوری شده است.

از دیگر یادگارهای با ارزش امام علیه السلام که می‌تواند نقش اساسی در اعتقادی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته باشد رساله حقوق ایشان است. حضرت علیه السلام در این رساله شریف، حقوقی را مطرح کرده است که با رعایت آنها، قطعاً سعادت دنیوی و اخروی انسان تضمین می‌شود. این رساله را حضرت در عصری نوشتند که از دیدگاه حکومت، این حقوق به بوته فراموشی سپرده شده بود و در واقع می‌توان گفت، این رساله، کاملترین حقوقی است که از امامان علیه السلام به دست ما رسیده؛ از جمله منابعی که نام این رساله در آن آمده می‌توان به کتب: تحف العقول^۱ (ابن شعبه حرانی)، خصال^۲ و من لا يحضره الفقيه^۳ (شیخ صدوق)، اشاره کرد.

رساله حقوق متشكل از ۵۱ حق است که می‌توان در یک دسته بندی آنها را به ۳ بخش، حقوق الهی، حقوق اجتماعی و حقوق شخصی تقسیم کرد که در ذیل به صورت اختصار اشاراتی به آنها خواهد شد.

فرهنگسازی امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق

فرهنگسازی ارتباط با پروردگار

منشأ حقوق، در واقع همان روابط اجتماعی است که از زندگی دسته جمعی سرچشمه می‌گیرد؛ مثل حقوق مردم و دولت، پدر و فرزند، زن و شوهر و... البته

۱. تحف العقول، ص ۲۵۵.

۲. الخصال، ج ۲، ص: ۵۶۴.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۱۸.

سرچشمه اصلی این حقوق ایمان به خدا است و اگر کسی این حق را رعایت نکند، حقوق دیگران در نزد او مفهومی نخواهد داشت. پس می‌توان گفت سایر حقوق نیز به حق الهی باز می‌گردد.

پیشوای چهارم شیعیان در رساله حقوق در مورد حق خداوند می‌فرمایند: «و اما حق بزرگتر آن است که او را بپرستی و چیزی را شریک او قرار ندهی و اگر از روی اخلاص چنین کنی، خدا بر خود مقرر کرده کار دنیا و آخرت تو را به عهده گیرد و آنچه از آن بخواهی برایت نگه دارد».

حضرت  برای تشکیل ساختار فرهنگ اسلامی، ابتدا از حق خدای متعال نسبت به بندگانش یاد می‌کند؛ چراکه اولاً: انسان قبل از هر چیز با خداوند متعال در ارتباط است، زیرا او «آفریدگار» و ما «آفریده» هستیم و ثانیاً: همانگونه که ذکر شد، حقوق دیگر نیز به حق الهی باز می‌گردد. پس حقوق خداوند در رأس همه حقوق قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب ذکر شده، روشن می‌شود که چرا حق خداوند در رأس همه حقوق قرار می‌گیرد. طبیعتاً اگر مردم به حق خداوند پایبند باشند و فرهنگ ادای حقوق الهی در جامعه رواج پیدا کند، زندگی اجتماعی و احترام به حقوق دیگران نیز نمود پیدا می‌کند.

فرهنگسازی در بعد احوال شخصی

انسان بعد از خداوند متعال، قبل از هر چیز با اعضا و جوارح و نفس خود در ارتباط است. پس لازم است که حقوق آنها هم قبل از حقوق سایر چیزها مطرح شود. امام سجاد  بعد از بیان بزرگترین حق (حق خداوند) حقوق شخصی افراد از جمله: حق زیان، گوش، چشم، پا، دست، عورت و... را مطرح می‌کند. پس از هر جهت به انسان نگاه کنیم، مسئولش خواهیم دید.

فرهنگ‌سازی در گفتار

شاید بتوان گفت در بین همه اعضای انسان، زبان نقش مهمتری داشته باشد.

امام سجاد علیه السلام در بیان حقوق زبان می‌فرماید:

«حق زبان آن است که آن را از زشت‌گویی بازداری، به گفتار نیک و ادب عادت دهی، از گشودن زبان جز به هنگام نیاز و تحصیل منفعت دین و دنیا خودداری، از پرگویی و بیهوده گویی که جز زیان در بر ندارد، دوری کنی و بدانی زبان، گواه عقل و اندیشه توست و زیبایی و آراستگی به زیور عقل، نمودش به خودش زبانی تو».

۱۵



زبان به عنوان یک عضو بدن انسانی در مقام بیان آنچه در درون آدمی می‌گذرد یکی از مهم‌ترین ابزارهای زبان آیینه گویای باطن و شخصیت و شاکله وجودی هر کسی است. در حقیقت گویش و گفتار انسان است که حقیقت وجودی و شخصیت هر فردی را آشکار می‌کند و به همین علت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، زبان را عامل شکل دهنده شخصیت انسان معرفی می‌کند.^۱

بنابراین مدیریت زبان مهم‌ترین وظیفه هر انسانی است چراکه با استفاده از گفتار است که جمال و زیبایی باطنی انسان به نمایش گذاشته می‌شود، چنانکه زشتی شخصیت و باطن ناپاک انسانی هر کسی از طریق زبان هویدا می‌شود.

با توجه به توضیحات ذکر شده، تا حدودی نقش زبان در شکل گیری شخصیت انسان روشن شد؛ هر مقدار شخصیت انسان با اصول و فرهنگ اسلامی مطابقت داشته باشد، قطعاً اثر بسزایی در محیط خانواده او خواهد داشت و هرچه شاکله یک خانواده، با فرهنگ اسلامی و اصول اخلاقی مرتبط باشد، نتیجه‌اش در جامعه نمایان خواهد شد. و چنین جامعه‌ای قطعاً همان جامعه‌ای خواهد بود که پیامبر اکرم علیه السلام و ائمه علیهم السلام سنگ بنای آن را نهادند.

۱. کافی(ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۰.

فرهنگسازی شنیداری

امام سجاد علیه السلام در مورد حق گوش می‌فرماید: «حق گوش، پاک داشتن اوست از اینکه راه دلت باشد مگر برای خبر خوبی که در دلت خبر پدید آورد یا خلق کریمی نصیب تو کند، زیرا گوش دروازه دل است و معانی خوب یا بد، خیر یا شر را به او میرساند و قوهای جز از ناحیه خداوند نیست».^۱

نیروی شناوی که گوش ابزار آن است یکی از نعمتهای بزرگ خداوند است که در زندگی انسانها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و تأثیر آن در تعالی و ترقی و تکامل انسان برای کسی پوشیده نیست. گوش، مهم‌ترین ابزار دریافت کننده معلومات و اطلاعات انسان است؛ افکار و عقاید و فرهنگ، بیشتر از راه گوش دریافت می‌شود. امام زین العابدین علیه السلام در بیان حق گوش می‌فرماید: گوش، دروازه دل است؛ این سخن حضرت علیه السلام با یک تشییه روشن‌تر می‌شود. می‌دانیم که هر کشوری از جانب دروازه و راههای ورودی خود، اثر پذیر است و اخلاق و رسوم و فرهنگ آن کشور ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با راههای ورودی آن دارد، بدین معنا که اگر دروازه‌های یک کشور به درستی کنترل شود و فقط به روی افراد سالم باز شود، آن هم با آداب و رسوم و فرهنگ انسان و اجناس مفید و ضروری، می‌تواند با حفظ فرهنگ اصیل خود، به سوی رشد اقتصادی و فرهنگی حرکت کند. ولی اگر این دروازه کنترل نداشته باشد، اخلاقیات و افکار گوناگون و چه بسا ضد انسانی وارد کشور می‌شوند و به تدریج به طرف فساد اخلاقی و فرهنگی سوق می‌دهند. آری گوش، دروازه ورودی کشور دل است و همانگونه که یک کشور تحت تأثیر افکار و فرهنگ‌های مختلف است، دل نیز تحت تأثیر افکار و فرهنگ‌های وارداتی قرار می‌گیرد.^۲

۱۶



۱. رساله حقوق، حق گوش.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر، ک: صاحبان حق در رساله حقوق، حمید محمدی راد.

فرهنگ‌سازی در بعد مدنی و اجتماعی

امام علی بن الحسین علیه السلام در بخش‌های متعددی از رساله حقوق، به حقوقی غیر از حق خداوند و حق شخصی یعنی حقوق اجتماعی اشاره می‌کند. حقوق اجتماعی، مجموعه حقها و حمایتها‌ی است که از طریق آن، آسايش، رفاه و بهزیستی به حداکثر و عدم رفاه به حداقل میرسد. می‌توان گفت هدف امام علیه السلام از بیان این حقوق، از بین بردن نابرابری‌های غیر عادلانه است. حکام و خلفای بنی امیه و بنی عباس برای رفاه و آسايش خود و همچنین به جهت پیشبرد اهداف شومشان، ظلم و ستم زیادی بر مستضعفان جامعه روا میداشتند. از مهم‌ترین حقوقی که حضرت علیه السلام به آن اشاره می‌کند، حقوق پدر و مادر، همسر، همسایه، استاد و شاگرد، حق حاکم و سایر مردم است. مسلماً اهتمام به حقوق اجتماعی تأثیرات شگرفی در شکل گیری فرهنگ و تمدنی نوین خواهد داشت. بسیاری از نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی و اجتماعی و همچنین بسیاری از بی‌بند و باری‌ها به دلیل عدم رعایت حقوق اجتماعی است. اگر روابط اجتماعی، روابطی صحیح و سالم نباشد، قطعاً فضایی آکنده از بعض و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد.

فرهنگ‌سازی اجتماعی با بیان حق والدین

یکی از مهم‌ترین حقوقی که در رساله حقوق به آن اشاره شده، حق والدین است؛ این حق از آنجا مهم است که خداوند در مورد احترام به والدین می‌فرماید: «به آنها [حتی] او ف مگو^۱». در حالی که در مورد هیچ یک از مخلوقات خود این کلام را بکار نبرده است. امام سجاد علیه السلام نسبت به حقوق پدر و مادر می‌فرماید: «حق مادرت این است که بدانی او تو را در جایی نگه داشته که کسی نگه نمی‌دارد و از میوه دلش به تو داده که کسی به کسی به کسی نمی‌دهد... شاداب و خرم

۱. اسراء: ۲۳.



است که تو را سیر نماید و خود گرسنه بماند، تو را پوشاند و خود برخene باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، و...اما حق پدرت آن است که بدانی که او اصل تو است و تو شاخه و فرع او، اگر نمی‌بود، تو نیز نمی‌بودی و...».

اسلام اهمیت زیادی در مورد احترام به والدین قائل شده است است. از آنجایی که پدر و مادر، اصل و جوهر وجودی انسان‌ها هستند و ما انسانها در حکم شاخه و برگهای آنان هستیم، لذا اهمیت ویژه‌ای نسبت به سایر افراد خانواده و جامعه دارند. در دورانی که یک کودک، از هر کاری ناتوان است و نمی‌تواند خود را از سرما و گرما حفظ کند، و حتی قدرت پراندن یک مگس را از روی خود ندارد، این پدر و مادر هستند که با عشق و علاقه و بی‌منّت در خدمت فرزنشان هستند و از جان و دل برای آسایش او تلاش می‌کنند. از این روست که بر هر انسانی لازم است که ارزش والدینش را بداند و زحمات آنان را فراموش نکند و همواره در مسیر خدمت به آنان قدم بردارد.

پیامبر اکرم در جواب شخصی که پرسد: چه کسی بزرگترین حق را بر فرد دارد فرمود: «پدر و مادرش»^۱. در چند سوره از قرآن کریم هم خداوند بعد از مسئله توحید، بر اهمیت حقوق پدر و مادر تأکید شده است^۲. همچنین امام زین العابدین علیه السلام توصیه زیادی نسبت به افرادی که در محیط خانواده هستند(فرزندان، همسر و برادر)، دارند.

۱۸

فرهنگ‌سازی اجتماعی در بعد همسایه‌داری

اما حق دیگری که حضرت علیه السلام به آن اشاره دارند، حق همسایگان است. پیشوای چهارم شیعیان در مورد حقوق همسایگان می‌فرماید: «و اما حق همسایه این است که در غیاب او نگهبانش باشی و در حضورش او را گرامی

۱. من لا يحضره الفقيه، انتشارات اسلامی، ج ۳؛ ص ۴۳۸.

۲. بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۵۱.

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

داشته و یاور و کمک کار او در هر حال باشی و در صدد یافتن اسرار او مباش و از بدی او کاوش نکن که بفهمی، و اگر بدی از او فهمیدی بدون عمد و قصد و بدون زحمت برای آنچه فهمیدی همچون قلعه محکمی باش...»

اسلام احترام و اهمیت فوق العاده‌ای برای مسائل عاطفی و تعاؤن اسلامی
قابل شده است در حالی که در زندگی ماشینی عواطف روز به روز تحلیل
می‌رود و جای خود را به سنگدلی می‌دهد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خوشرفتاری
با همسایگان شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند»^۱. پیامبر اکرم نیز می‌فرمایند:
«دو گروهاند که روز قیامت خداوند بدانها نمی‌نگرد: گروه اول کسانی که قطع
رحم می‌کنند و گروه دوم کسانی که موجبات اذیت و آزار همسایه را فراهم
می‌کنند(همسایه بد)»^۲.

رعایت حق همسایه، علاوه بر تأمین آسایش او، آرامش فکر و روان و راحتی جسمی برای خود مراعات کنند نیز در بر دارد. هر گونه عمل ناراحت
کننده‌ای که همسایه را رنج دهد اثر وضعی و حتمی‌اش عکس العمل آزار
دهنده‌ای از جانب او خواهد بود. بخاطر اهمیت این موضوع است که
امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بستر شهادت در ضمن وصایای خود، سفارش به نیکی
و احسان در مورد همسایگان دارند.^۳

روابط بین انسانها و به ویژه همسایگان باید رابطه‌ای خالصانه و به دور از
هر مکر و حیله و نیرنگ باشد. غش، خیانت و سوء استفاده از اعتماد افراد، منشأ
بسیاری از واماندگی‌های معنوی و انحطاط‌های اخلاقی جوامع ماست. سقوط
جوامع از تخلفات فردی آغاز می‌شود، آنگاه به افراد دیگر سرایت می‌کند و به

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲. نهج الفضاح، ح ۵۵.

۳. کافی، ج ۷، ص ۵۱.



تدریج همه جامعه را به تخلف از مسیر صحیح انسانی می‌کشاند. لذا امام سجاد علیه السلام تأکید زیادی به احراق حقوق اقشار مختلف جامعه داشتند.^۱

فرهنگسازی اجتماعی در بعد ارتباط با مردم

امام علیه السلام در مورد حقوق عمومی جامعه تحت عنوان «حقوق رعیت و مردم» نکاتی را مطرح می‌کنند.

احترام به شخصیت افراد در محیط جامعه از علائم بارز رشد عمومی و یکی از ارکان سعادت و خوشبختی اجتماع است. همچنانکه بی احترامی و هتك حرمت افراد جامعه نشانه انحطاط و عقب ماندگی اخلاقی و فرهنگی و مایه سیه روزی و بدینختی اجتماع است. جامعه اسلامی با مقررات عادلانه اش حقوق مردم و اعضای حکومت را تعیین نموده و به احدهای اجازه نمی‌دهد از مرز خود تجاوز کند. قطعاً در چنین جامعه‌ای مردم بدون اضطراب و دور از ذلت زندگی می‌کنند. این موضوع به حدی دارای اهمیت است که خداوند در قرآن، عزت مؤمنین را در ردیف عزت خود و پیامبر علیه السلام بحساب آورده.^۲

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «حق رعیت این است که بدانی آنها بخارط ضعف خود و نیرومندی تو رعیت تو گشته‌اند. پس بر تو واجب است که درباره آنان به دادگری عمل کنی و...»

در اسلامی تمام افراد مکلفند حیثیت و عزت خود و دیگران را محترم شمارند و هیچ مسلمانی حق ندارد موجبات پستی و اهانت خود و دیگران را فراهم آورد.

می‌توان گفت همه آنچه که ذکر شد، از نگاه امام سجاد علیه السلام برای ایجاد یک اجتماع سالم و به دور از زشتی است؛ چراکه این زشتی‌های اخلاقی، سلامت

۲۰



۱. برای مطالعه بیشتر، رک: ترجمه و شرح رساله حقوق، محمد سپهری.

۲. منافقون: ۸.

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

جامعه را تهدید می‌کند و در سایه این قوانین و حقوق است که یک اعماد و اطمینان متقابل بین طبقات و اصناف مختلف اجتماعی ایجاد می‌شود تا رسیدن به غرض نهایی آفرینش ممکن شود.

نتیجه گیری

در یک جمع بندی می‌توان گفت شعاع حرکت فرهنگی امام سجاد علیه السلام در راستای اهداف پیامبر علیه السلام و ایجاد تمدن عظیم اسلامی به حدی زیاد بود که هیچ یک از خلفای اموی نتوانستند در برابر ایستادگی کنند. حضرت سجاد علیه السلام در شرایط خفغان دولت اموی با استفاده از تاکتیک‌های ناب و منحصر به فرد، موفق به به بیان بسیاری از اصول اصلی تربیتی شدند. آن حضرت علیه السلام با این روش، پازل‌های ایجاد یک حرکت عظیم فرهنگی را - برای احیاء تمدن اسلامی - در درون افراد جامعه آن روز چیدمان نهادند. رساله حقوق یکی از شاخص‌ترین گفتارهای حضرت علیه السلام برای پیشبرد این حرکت عظیم است. حضرت زین العابدین علیه السلام با بیان نکات کلیدی از جمله شیوه‌های صحیح روابط فردی و خانوادگی و اجتماعی، یا رعایت اصل عبودیت، - که نقش اساسی در ساختار فرهنگی یک تمدن دارد - الگویی کارآمد و خط سیر کاملی در اختیار مردم قرار دادند که نتیجه این خدمات، تربیت شاگردان بسی شماری در زمینه‌های مختلف شد؛ هر کدام از این شاگردان، علاوه بر اینکه خود جزء زهاد و علماء، بودند، عالمان و فاضلان زیادی را بر طبق آموزه‌های امامشان تحويل جامعه دادند و بدین ترتیب هر کدام توفیق انتقال معارف الهی را به نسل‌های بعدی به دست آوردند که نتیجه این حرکت عظیم فرهنگی، زمینه ساز مکتب گسترده امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شد و در قرون بعد تر و مخصوصاً دوران شکوفایی تمدن اسلامی به صورت بارز نمایان گردید.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن أبي الحدید، عبد الحمید بن هبہ الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاگه لإبن ابی الحدید، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۶۲، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۷، اللسان العرب، طبعة الاولی، بیروت، دار صادر.
۶. اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.
۷. اصفهانی، ابوالفرح، علی بن الحسین، کتاب الأغانی.
۸. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، انتشارات دنیای دانش.
۹. پیشوایی، مقتل جامع سیدالشهدا علیه السلام. قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۱۰. توین بی، آرنولد، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریان، تهران، امیرکبیر.
۱۱. جان احمدی، ۱۳۹۲، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.
۱۲. حیدری نراقی، علی محمد، ۱۳۸۵، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، قم، انتشارات مهدی نراقی.
۱۳. سپهری، محمد، ۱۳۸۰، ترجمه و شرح رساله حقوق امام سجاد، انتشارات دارالعلم.
۱۴. سجادی، صادق و هادی عالمزاده، ۱۳۷۵، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۱۵. سخاوی، شمس الدین محمد بن عبد الرحمن، الاعلان بالتوییخ لمن ذم التاریخ، بیروت، دارالكتب العلمیّه.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفا.
۱۷. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
۱۸. شوقی ضیف، الشعر و الغناء فی المدینة و مکة لعصر بنی امية.
۱۹. شوقی ضیف، تاریخ الادب العربي، العصر الاسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی (ط- الإسلامیة)، دار الكتب الإسلامية.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۲۲. محمدی راد، حمید، ۱۳۷۸، صاحبان حق در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، قم، دار النشر اسلام.
۲۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجوادر.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۲۵. ممتحن، حسینعلی، تاریخ سیاسی اسلام در عصر امویان.

نقش فرهنگی امام سجاد علیه السلام در زمینه‌سازی و احیاء تمدن اسلامی (با تأکید بر رساله حقوق)

۲۶. موسوی خمینی(امام)، سید روح الله، صحیفه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. ولایتی، علی اکبر، پویاپی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امورخارجه.
۲۸. ویل دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام.
۲۹. همان، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر(بی تا).

۲۳

لغتنامه

تأثیر اندیشه‌های کلامی معتزله بر شیعه

محمد طالعی اردکانی*

چکیده

مکتب معتزله یکی از جریان‌های کلامی اسلام بود که در نیمه دوم قرن اول هجری در منطقه بصره شکل گرفت. پیروان این جریان مدافعانه کارکرد عقل در مباحث اعتقادی بودند و اگرچه به یک سری اصول مشترک معتقد بودند اما در تفسیر اصول اعتقادی، دیدگاه‌های مختلفی داشتند که همین امر به ایجاد شاخه‌های متنوع اعتزالی در مکتب بصره انجامید. این جریان به مدت یک قرن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، زمینه ساز تحولات تأثیر گذار بود و در فاصله سالهای ۱۹۸ تا ۲۳۲ق، از زمان حکومت مأمون تا پایان حکومت واثق، به اوج پیشرفت خود رسید اما در قرن سوم هجری، رونق خود را از دست داد و از پیشرفت باز ماند.

گفته می‌شود که شیعه در مسائل کلامی به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های معتزله بوده و از خود استقلالی نداشته است اما با مطالعه و بررسی دقیق معلوم می‌شود که نه تنها چنین نیست، بلکه عکس آن درست است، و معتزله تحت تأثیر افکار شیعی قرار گرفته‌اند. نخست ضمن پرداخت به سیر تاریخی بحث، به آراء و انظر برخی از متفکران مسلمان اعم از معتزله و امامیه اشاره خواهد شد. سپس بیان می‌شود که شیعه چگونه به صورت یک گرایش مستقل، از همان نخستین سال به وجود آمدن معتزله، از جهات گوناگون در برابر آنها صف آرایی کرده است و به نظر می‌رسد که شکسته‌های معتزله در همین مرحله، زمینه ساز طرح تهمت یاده شده به شیعه است و دردامنه بحث شواهدی ارائه می‌شود و اثبات می‌کند معتزله تحت تأثیر شیعه قرار گرفته‌اند.

واژه‌ای کلیدی: امامیه، معتزله، اعتزال، عدلیه.

* دانش پژوه سطح سه رشته شیعه شناسی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

معتزله از جریان‌های اصلی کلامی در میان اهل سنت است. ایشان بر خلاف اهل حدیث که انبوه حدیث‌های اصیل و جعلی پیامبر و صحابه را مورد توجه خود قرار داده بودند، عقل و خرد را به تنها‌ی برای پیروی از اسلام راستین کافی می‌دانستند و گاهی نظرات فلسفه را با دین مخلوط می‌ساختند. بعدها اشعاره برخاستند و جانشین اهل حدیث شدند. اشعاره را می‌توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آن‌ها نیز عقاید معتزله را مردود می‌دانستند.

تأکید معتزله بر عقل آن چنان جدی بود که بر خلاف بسیاری از فقهاء که حدیث را مطلق می‌دانستند آنان اعتقاد داشتند که در تعارض حدیث با عقل، عقل مقدم است. به علاوه و باز بر خلاف نظر بسیاری از علماء، اعمال و احادیث صحابه را مطلق و لازم‌الاجرا نمی‌دانستند اما اساسی‌ترین و در عین حال بحث برانگیزترین موضع گیری معتزله در بحث پیچیده‌ی مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن پیش آمد.

کلام امامیه، از مذاهب کلامی اسلام است که به اثبات، تبیین و دفاع از آموزه‌های اعتقادی به روش اهل بیت علیهم السلام و شاگردان بر جسته آنها می‌پردازد و در آن بر کاربرد عقل و نقل در مسائل اعتقادی تأکید می‌گردد. کلام امامیه در برابر کلام معتزله، اشعاره و ماتریدیه قرار دارد و عمدۀ تفاوت آن با دیگر مکاتب کلامی در روش و مسائل مربوط به امامت است.

کلام شیعی، در دوره حضور امامان علیهم السلام، صبغه عقلی-نقلی داشت. پس از آن؛ نص‌گرایی، عقل‌گرایی و خردگرایی فلسفی رویکردهای متکلمان شیعی در مباحث کلامی بوده است که این خود سیر تحول کلام شیعی را از آغاز دوره غیبت کبری نشان می‌دهد. شیخ صدوق، شیخ مفید و خواجه نصیر الدین طوسی به ترتیب از بنیانگذارون و شخصیت‌های بر جسته نص‌گرایی، عقل‌گرایی و خردگرایی فلسفی بوده‌اند.



بررسی منابع به جا مانده از دوران صدر اسلام نشان می‌دهد نخستین فردی که سؤالات و شباهات را پاسخ داد، امام علی علیهم السلام بود و اصحاب و هواداران وی نیز از آرا و نظریات کلامی او پیروی کرده‌اند. پس از امام علی علیهم السلام، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و پس از آنان امام سجاد علیهم السلام و دیگر امامان شیعه، هر یک در عصر امامت خود به عنوان آموزگاران معصوم، پرچمدار جهاد کلامی و مدافع عقاید راستین اسلامی بوده و اصحاب و شاگردانی را در این راه تربیت نموده‌اند.

۲۷



بنابراین مذهب و کلام شیعی برهمه مذاهب کلام اسلامی از نظر تاریخی مقدم است و حتی قبل از آنکه «قدیریه» ظهرور کنند (نیمه دوم قرن اول هجری) و قبل از آنکه معتزله پدید آیند (اوایل قرن دوم هجری) و به انگیزه دفاع از توحید و عدل الهی با تشییه گرایان و جبرگرایان به مبارزه برخیزند، پیشوایان کلام امامیه این راه را پیموده و با دلایل محکم عقلی خود، پایه‌های توحید و عدل را تحکیم نمودند و به این خاطر از عدل و توحید به عنوان دو اندیشه علوی یاد کرده‌اند (العدل و التوحید علویان)^۱.

سه مکتب فکری کلامی جهان اسلام، امامیه، معتزله و اشاعره در برخی مسائل هم رأی و همسو هستند، در برخی دیگر با یکی یا هر دو مکتب دیگر اختلاف دارند. کلام شیعه، هم بر دو مکتب دیگر تأثیر گذارده و هم از آنان تأثیر پذیرفته است اما در عین حال کلام شیعه هویت مستقل خود را حفظ نموده و رویکرد کلی آن تحت تأثیر مکتب دیگر، تغییر نکرده است.

هم آهنگی معتزله با شیعه در برخی مسائل کلامی مانند عینیت صفات با ذات، مخلوق بودن قرآن، انکار کلام نفسی، انکار رؤیت بصری خداوند، حسن و قبح عقلی، قدرت و اختیار انسان، سبب شده است که برخی مستشرقان و

۱. ر.ک، علامه طباطبائی. تعالیم اسلام، ص ۵۱